راهکارهایی

برای شاد زیستن

**ترجمه:**

**الوسائل المفیدة في الحیاة السعیدة**

**تألیف:**

**علامه شیخ**

 **عبد الرحمن بن ناصر السعدی**/

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری**/

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | راهکار‌هایی برای شاد زیستن  |
| **عنوان اصلی:** | الوسائل المفیدة في الحیاة السعیدة |
| **تألیف:** | علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی/ |
| **ترجمه:** | اسحاق دبیری/ |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی – آداب و تربیت (دعوت، گفتگو، زندگی...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست موضوعات

[فهرست موضوعات ‌أ](#_Toc437159312)

[مقدمه 1](#_Toc437159313)

[مقدمـﮥ مؤلف 5](#_Toc437159314)

[فصل: [وسائل مفید براى دست آوردن زندگى سعادتمند] 7](#_Toc437159315)

[فصل: [بدست آوردن عمل مفید وعلم با ثمر] 12](#_Toc437159316)

[فصل: [كثرت ذكر الله تعالى] 15](#_Toc437159317)

[فصل: [فراموش كردن تكالیف وغموم گذشته ونترسیدن از آینده] 17](#_Toc437159318)

[فصل: [در وقت آسیب باید حالت بدتر از آن را در نظر گرفت،و بعداً در تخفیف آن كوشش نمود] 19](#_Toc437159319)

[فصل: 20](#_Toc437159320)

[فصل: 22](#_Toc437159321)

[فصل: [زندگى كوتاه خویش را نباید به غم واندیشه‌ها سـﭘـرد] 23](#_Toc437159322)

مقدمه

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وعلى آله وصحبه أجمعین، ومن اتبعه بإحسان إلى یوم الدین، أما بعد:

این رسالـﮥ مبارک «وسائل مفید براى زندگی سعادتمند» مفهوم حقیقی سعادت وخوشبختی را بیان می‌کند، که در زندگی هر إنسان بحیث یک هدف عالى وارزشمند بشمار می‌رود، وآرای متعددى در مورد مفهوم حقیقى آن، ودر قسمت شیوﮤ تحصیل وبدست آوردن آن وجود دارد.

عدﮤ‌اى از مردم ﭼـنان می‌پندارند که سعادت وخوشبختى با جمع کردن ﭘـول ومال بدست می‌آید.

وعدﮤ آن را در سلامتى وصحت اجسام، ودر تأمین امن وامان در کشورها می‌بینند.

وعدﮤ دیـﮕـرى آن را در رزق حلال، وحاصل نمودن علم مفید وبا ثمر می‌جویند.

وبرخى آن را در ایمان صادق، وعمل نیک، و ﭘـایدار ماندن بر آن می‌بینند.

ولى مفهوم سعادت وخوشبختی در صورتیکه با اصول واساسات شرعى توافق داشته باشد می‌تواند این همـﮥ امور را در بر گیرد.

سعادت وخوشبختى بشكل عام در دو نوع تقسیم می‌گردد:

1- سعادت دنیوى: که موقت بوده، ودر محدودﮤ زندگی کوتاه وزود گذر انسان می‌باشد.

2-سعادت اخروى: که جاویدان، وخاتمه نه یابنده وغیر محدود است.

واین اقسام دوگانـﮥ سعادت باهم آمیخته، وبا یکدیـﮕـر لازم وملزوم می‌باشد، سعادت دنیوى از سعادت اخروى جدا نیست، وسعادت اخروى براى مسلمانان ﭘـرهیزگار مربوط است به رضائیت خداوند متعال، ﭼـنانچه خداوندأ می‌فرماید: ﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيينَّهُۥ حَيوٰةٗ طَيبَةٗۖ وَلَنَجۡزِينَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يعۡمَلُونَ٩٧﴾ [النحل: 97].

ترجمه: هر کسیکه کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، ودر (صورتیکه) مومن باشد؛ ﭘـس بیـﮕمان او را زندگی ﭘـاکیزه اى (میسر) مى گردانیم، وایشان را به نکوترین اعمال شان ﭘـاداش می‌دهیم.

برادر گرامى! آیا میدانى که سعادت ﭼـه را گوید؟ وﭼـﮕـونه بدست می‌آید؟ وبدبختى ﭼـه را گوید؟ و چگونه می‌توانیم که از آن در امان باشیم!؟

سعادت در اطاعت خداوند متعال واطاعت ﭘـیامبر او ج نهفته است،چنانچه ‌شقاوت (بدبختى) در نا فرمانى خداوند متعال ونافرمانى ﭘـیامبر او ج نهفته است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: 71].

ترجمه: وهرکه فرمان الله وﭘـیامبر او برد بی گمان به بزرگ‌ترین ﭘیروزى دست یافته است.

ومی‌فرماید: ﴿وَمَن يعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا﴾ [الأحزاب:36].

ترجمه: وهر کسی نافرمانی الله وﭘـیامبر او را کند بی گـمان بگـونـﮥ آشکاری گمراه شده است.

واین کتاب «وسائل مفید براى زندگی سعادتمند» که ﭘـیشروى ما قرار دارد تألیف علامه شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی رحمت الله علیه است، که شامل هشت فصل بوده، ودر این مؤلف: اسباب، وسائل، وطرق، بدست آوردن سعادت حقیقى را در روشنى دلائل شرعى از قرآن وسنت بیان نموده است، تا بتواند که شیوﮤ زندگی سعادتمند حقیقى را تحدید نماید که آرزوى هر مسلمان است، وتا یک جامعـﮥ اسلامى بتواند براى تنظیم برنامـﮥ حیات خویش در روشنى آن حرکت نماید.

و وزارت شؤون اسلامى و اوقاف و دعوت و ارشاد جهت سهم گیرى در رهنمایى مردم به راه راست، و وسائل مفید وبا ثمر این کتاب را ضمن سلسلـﮥ نشرات مفید خود اختیار نموده، تا براى مسلمانان در مشکلات زندگی شان بحیث یک راهنما باشد.

از خداوند متعال طلب دارم که به مؤلف، وکسانیکه در چاپ و نشر و ترتیب کتاب همکارى نموده‌اند اجر وثواب عطا نماید.

والله الموفق والهادی إلى سواء السبیل، وهو حسبنا ونعم الوكیل، وصلى الله وبارك على نبینا محمد وعلى آله وصحبه أجمعین.

دكتور/ عبد الله بن أحمد الزید

مسؤول چاپ ونشرات در وزارت

مقدمـﮥ مؤلف

الحمد لله الذي له الحمد كله، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله علیه وعلى آله وأصحابه وسلم.

أما بعد:

آسایش وسعادت قلبى ودورى از غم و اندوه خواستـﮥ هر انسان است، که از طریق آن زندگی سعادت‌مندانه بدست می‌آید، وخوشى وخوشبختى حاصل می‌گردد، وبراى این امر: اسباب دینى، طبیعى، وعملى وجود دارد، که همـﮥ آن به جز مؤمنان به کسى دیگر مهیا نیست.

واگر برخى از آن به دیگران مهیا هم گردد لیکن انسانان عاقل ودانشمند آن را با تکلیف ومشقت بدست می‌آرند، وبا وصف آن هم از بسیار اسباب وشیوه‌ها محروم می‌مانند، که در زندگی فعلى و آیندﮤ (انسان) مفید ومؤثر می‌باشد.

و من در این رساله خود براى رسیدن باین هدف عالى که هر انسان در تلاش رسیدن بآن است وسائلى را ذکر می‌نمایم که فعلاً به خاطر من است.

به برخى از انسان‌ها بسیارى ازین اسباب مهیا گردیده وخوشگذرانى خوب، و زندگی سعادت‌مند، نصیبشان شده است.

وبرخى دیـﮕـر از آن محروم مانده اند، و شقاوت و زندگی بد نصیبشان شده است.

وعدﮤ دیـﮕـر در بین این دو قرار گرفته اند، بآن قدر که توفیق نصیبشان بود، و خداوند متعال تنها دفع کنندﮤ همه شرها، وتوفیق دهندﮤ همه خیرها است.

فصل:
[وسائل مفید براى دست آوردن زندگى سعادتمند]

1. یکى از بزرگ‌ترین واساسى ترین این اسباب همانا: ایمان وعمل صالح است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيينَّهُۥ حَيوٰةٗ طَيبَةٗۖ وَلَنَجۡزِينَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يعۡمَلُونَ٩٧﴾ [النحل: 97].

ترجمه: هر کسیکه کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، ودر (صورتیکه) مومن باشد؛ ﭘـس بیـﮕـمان او را زندگی ﭘـاکیزه اى (میسر) مى‌گردانیم، وایشان را به نکوترین اعمال شان ﭘـاداش می‌دهیم.

ﭘـس خداوند به آنانیکه صاحب ایمان صحیح وعمل صالح‌اند وعده داده است که در این دنیا سعادت را نصیبشان می‌گرداند، ودر دنیا وآخرت نیز ثواب و ﭘـاداش نیک بآن‌ها عطا می‌فرماید.

وسبب آن واضح است:زیرا کسانیکه ایمان دارند با الله تعالى ایمان صحیح این ایمان باعث کارهای خوب، وعمل نیک، وعمل جور کوننده قلب‌ها، واخلاق‌ها، ودنیا، وآخرتشان مفید گردد، در نزد آنان ﭼنان اصول وشیوهاى وجود دارد که در روشنى آن با تمام اسباب سعادت وخوشبختى، واسباب ﭘـریشانی وغم واندوه، تعامل درست ومثبت کرده می‌توانند.

به گونـﮥ که اﮔر خوشى وسعادت بر ایشان حاصل گردد به آن رضائیت نشان داده، و شکر آن را بـجا می‌آورند، و از آن در کارهای مفید ومثبت استفاده می‌نمایند، هر گاه که آنان باین طور عمل کردن خوشى بآنان حاصل می‌گردد، وامیدى به بقای آن، و ﭘـاداش شکر آن بدستشان مى‌آید، که خوبى‌ها وبرکت‌های آن از این خوشی‌های ظاهر به مراتب بزرگ وعظیم شان می‌باشد.

او هنـﮕـامیکه غم و ﭘـریشانى برایش برسد، تا حد ممکن با آن مقاومت مى‌نماید تا آن را بکلى از خود دور سازد، وآنکه امکان تخفیفش باشد آن را تخفیف می‌نماید، وآنکه امکان منع کردنش نباشد آن را تحمل کرده ودر مقابلش از صبر وشکیبایى کار می‌گیرند، که در نتیجـﮥ مقاومت مفید، وبرداشت تکالیف، وبدست آوردن تجارب مختلف، وصبر کردن در برابر مشکلات، وامید داشتن اجر وثواب الهى ﭼنان کارهاى نیک ونتایج مفید وبا ثمر بدست می‌آید، که با وجود آن تمام تکالیف از بین رفته مضمحل می‌گردد، وبه خوشى، وآرزوهای نیک، امید داشتن اجر وثواب الهى تبدیل می‌گردد،چنانچه ﭘـیامبر ج از حالت وکیفیت مذکور در حدیث صحیح ﭼنان تعبیر نموده می‌فرماید: «عَجَباً لأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنْ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَیرٌ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ، فَكَانَ خَیراً لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءُ صَبَرَ؛ فَكَانَ خَیراً لَهُ، وَلَیسَ ذلِكَ لأَحَدٍ إِلا لِلْمُؤْمِنِ» [روایت مسلم]

ترجمه: کار مؤمن قابل تعجب است، همه کارهایش نیکو است، اگر خوشى برایش حاصل گـردد شکرش را بجا می‌آورد، واین در حقش خیر است، واگـر رنج وتکلیف برایش رخ دهد از صبر وشکیبانى کار می‌گـیرد، واین در حقش خیر است، وجز مؤمن به دیگـران ﭼنان نیست.

ﭘـس ﭘـیامبر ج این امر را بیان نمود که خوشى و ﭘـریشانى مومن هر دو سبب زیادت اجر وباداش اعمالش می‌گردد.

اگـر به دو نفرى نگـاه کنى که خیر و یا شر (خوشى یا رنج وتکلیف) بر ایشان حاصل گـردیده است مى بینى که این هر دو در عکس العمل در برابر آن از هم مختلف اند، واین ناشى از اختلاف است که در میان ایمان وعمل صالح این دو شخص وجود دارد.

واین کسیکه ایمان وعمل صالح دارد، خیر وشر را با شکر وشکیبایى استقبال می‌نماید، واز اینجاست که برایش خوشى وشادمانى حاصل می‌گردد، وغم، واندوه، وﭘـریشانى، ونا راحتى، وتنگـدلى، وبدبختى، از او دور می‌گردد، ودر نتیجـﮥ آن زندگـى خوب وسعادتمند در دنیا نصیبش می‌شود.

و کسیکه صاحب ایمان وعمل صالح نبوده، او با بدست آوردن خوشى وسعادت غرور وتکبر نشان داده، واخلاقش منحرف می‌گردد، ومانند ﭼـارﭘـایان حریصانه با نعمت‌ها بر خورد می‌نماید، و با وجود این هم اطمینان وراحت قلبى برایش میسر نمی‌گـردد، وبه تشویش‌های گـوناگـون مبتلا بوده، ﭼـه از جهت ترس زوال این نعمت‌ها، و از جهت روبرو شدن با تکالیف، و از جهت خواهشات نفسانى انسان که هیـﭻ حد واندازه نداشته، وهمیشه در تلاش بدست آوردن نعمت‌های هر ﭼـه بیشتر بوده که ممکن است برایش میسر گـردد و یا هم نگـردد، واگـر آن را هم بیاورد باز هم نظر به اسباب – ذکر شدﮤ بالا- از تشویش عارى نبوده، وهمیشه از رو برو شدن با تکالیف و‌رنج‌ها در بى تابى و هراسى وبى آرامى می‌باشد، ﭘـس ﭘـرسانى از بدبختى زندگـیش را نکن، که کمتر از آن بدبختى امراض فکرى وعصبى، وترس وهراسى است که با او رخ می‌دهد، و او را با بد ترین حالات وافکار مبتلا می‌سازد، واین همه بسبب آنست که او بامید هیـﭻ نوع اجر وﭘـاداش اخروى نبوده، ونه توان ﭼنان صبر وشکیبایى را داشته که این همه اندوه ومصیبت‌ها را بر وى آسان سازد، و اورا تسلى دهد.

واین همه حالاتى است که بطور تجربه دیده شده است، واگـر در بارﮤ یکى از این‌ها باندیشى وحالات وکوایف مردم را بر آن قیاس نمایى خواهى دید که مسلمانی‌که مطابق ایمانش عمل نیک دارد با آن شخصیکه ﭼنان نیست تفاوت دارند، واین تفاوت از آنجاست که اسلام همیشه توصیه نموده است که باید به تقسیم الهى، وبآن نعمت‌های گـوناگـونیکه از فضل وکرم خود به بندگـانش ارزانى نموده قناعت داشت.

ومومن هنگـامیکه به مرض، فقر، ودیگـر تکالیفى ما نند آنکه هر انسان با آن رو برو می‌شود مبتلا گـردد، نظر به ایمان ورضائیت وقناعتش به تقسیم الهی او را همیشه خرسند ومطمئن می‌بینی، آرزوى آنچیزی را ندارد که در قسمتش نباشد، بکسى نگـاه می‌کند که سطح زندگـى‌اش از او کمتر و ﭘائین تر باشد، وبکسى نگـاه نمی‌کند که نسبت به وى زندگـى خوبتر وبهتر دارد، و شاید که خوشحالى او و راحت قلبش بسیار تر باشه از کسانیکه همه مطالب دنیوى را تحصیل نمودند ولى قناعت ندارند.

وآنکه عملش مطابق ایمانش نبوده، هنگـامیکه با فقر وبیچاره گـى مبتلا شود، وبرخى از مقاصدش تحقق نیامد، بى اندازه ﭘـریشان وغمگـین می‌باشد.

مثال دیگـر: هنگـامیکه انسان با ترس وﭘـریشانى ونا قرارى رو برو شود، مى‌بینى که صاحب ایمان وقلب مطمئن از خود نشان داده، ودر تنظیم کارها، وسنجش ﭼاره سازى براى ﭘـریشانى که ﭘـیش آمده است، با آرامش وارادﮤ قوى طبق توانای خود تفکیر وفعالیت می‌نماید، وخودرا براى تحمل آنچه ﭘـیش آمده آماده می‌سازد، و این طور انسان به راحت، وقلبش مطمئن واستوار می‌باشد.

اما کسیکه از ایمان بهره مند نباشد، او بر خلاف مثال‌هاى مذکورﮤ بالا هنگـامیکه با ﭘـریشانى وترس رو برو می‌گردد، قلبش نا قرار، واعصابش نا راحت، وافکارش مشوش بوده، احساس ترس وهراس می‌نماید، و بر او مسلط می‌شود از بیرون ترس وهراس، واز داخل ﭼـنان ﭘـریشانی‌هاى که تعبیر آن دشوار است.

و باین نوع افراد اگـر بعض اسباب طبیعى که به تمرین کافى ضرورت دارد مهیا نگـردد، توانائى را از دست داده، واعصابش ﭘـریشان شده از دست می‌دهد، و این همه بسبب فقدان ایمانى است که به انسان توانایى صبر وشکیبایى را می‌دهد، خصوصاً در وقت ﭘـریشانی‌ها ودشواری‌ها وتکالیف.

ﭘـس شخص نیکو کار وشخص بدکار، ومسلمان وکافر با آنکه در بدست آوردن شجاعت اختیارى کسبى، ودر غریزﮤ که ترس و ﭘـریشانى را از انسان تخفیف می‌نماید، هردو با هم یکسان بوده، ولى مسلمان با قوت ایمانش، وبا صبر وشکیبایى خود، وتوکل نمودن بر خداوند، وامید داشتن به اجر و ﭘـاداش (اخروى)، تمیز و ویـﮋگـى خاصى دارد، که شجاعتش را قوت می‌بخشد، وتاثیر ﭘـریشانى را از او تخفیف نموده، ومشکلات را بر وى آسان می‌سازد.

ﭼـنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِن تَكُونُواْ تَأۡلَمُونَ فَإِنَّهُمۡ يأۡلَمُونَ كَمَا تَأۡلَمُونَۖ وَتَرۡجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يرۡجُونَۗ﴾ [النساء: 104].

ترجمه: اگـر شما دردمند می‌شوید ایشان نیز دردمند می‌شوند بهمانگـونه که شما دردمند می‌شوید، اما شما از خداوند ﭼـیزى را امیدوار هستید که ایشان امید ندارند.

ومدد خاص الهى بر ایشان می‌رسد تمام ﭘـریشانى وترس‌ها را از آنان دور می‌سازد.

وخداوند می‌فرماید: ﴿وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [الأنفال: 46].

ترجمه: وشکیبایى ورزید، بیگـمان الله با شکیبایان است.

1. و از جملـﮥ اسباب ووسایلى که اندوه و ﭘـریشانى را دور می‌سازد یكى هم: نیكى كردن با مردم بزبان وتعامل خوب، که همـﮥ انواع آن از جملـﮥ خیر واحسان بشمار می‌رود، که بذریعـﮥ آن خداوند متعال از نیکو کار وبدکار باندازﮤ نیکى‌اش با مردم اندوه وﭘـریشانى‌اش را دور می‌سازد، ولى فرد مؤمن از آن حظ ونصیبى فراوانى دارد، وویـﮋه گئ مومن آنست که نیکى کردنش با مردم به اخلاص وبامید اجر وﭘـاداش اخروى می‌باشد، و باین طور خداوند متعال کار نیک را بوى آسان ساخته، ونظر باخلاصى که دارد تکالیف را از وى آسان ساخته، و نظر باخلاصى که دارد تکالیف را از وى دور می‌سازد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَّا خَيۡرَ فِي كَثِيرٖ مِّن نَّجۡوَىٰهُمۡ إِلَّا مَنۡ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوۡ مَعۡرُوفٍ أَوۡ إِصۡلَٰحِۢ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَمَن يفۡعَلۡ ذَٰلِكَ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١١٤﴾ [النساء: 114].

ترجمه: در بسیار أز گـفتگـوهاى راز گـوهى شان خیرى نیست مگـر آنکه کسى به صدقه‌ئى یا عمل نیکى یا مصالحتى بین مردم امر کند وکسیکه این کار را براى طلب رضاى خداوند می‌کند براى او مزدى بزرگ خواهیم داد.

ﭘـس خداوند متعالى این امر را بیان نمود که این همه کارها از صاحبش در جملـﮥ نیکویى شمرده می‌شود، وبذریعـﮥ این خیر ونیکویى خیر دیگرى بدست می‌آید، وشر دفع می‌گردد، ومسلمانیکه بامید اجر وثواب کار خیر را انجام می‌دهد خداوند برایش ﭘـاداش بزرگ عطا می‌فرماید، و از جملـﮥ آن این هم است که اندوه وﭘـریشانی‌ها ومانندآن را از وى دور می‌نماید.

فصل:
[بدست آوردن عمل مفید وعلم با ثمر]

1. از جملـﮥ اسباب ووسائل دور نمودن تشویش واندوه ناشى از تشتت اعصاب وﭘـریشانى قلب یكى هم: مشغول ساختن خویش به عمل مفید وعلم با ثمر است، زیرا این توجه‌اش را از آن ﭼـیز می‌گرداند که سبب ﭘـریشانى‌اش بوده است، وشاید که به سبب آن، ﭼـیزى را که سبب غم و اندوهش گردیده فراموش کند، و ازینرو قلبش خرسنده شده، وفعالیت ونشاطش زیاد می‌شود، واین خاصیت در میان مومن وکافر مشترک است، ولى مومن این ویـﮋه‌گى را دارد که صاحب ایمان بوده، وبا اخلاص وامید اجر وثواب علم ودانش را فرا می‌گیرد، ویا به دیگران می‌آموزد، وطبق دانش خویش عمل نیک را انجام می‌دهد، اگر این کار عبادت بوده، ﭘـس ﭘـاداش عبادت بوى داده خواهد شد، واگر کار دنیوى ویا از جملـﮥ عرف وعادت باشد نیز مومن آن را با نیک نیتى انجام می‌دهد که خداوند آن را ذریعـﮥ توفیق وتوانایى بخشیدن بر عبادتش می‌گرداند، ﭘـس این همه در از بین بردن اندوه وﭘـریشانى تاثیر قوى ووسیعى دارد.

ﭼـه بسیار مردم که دﭼار اندوه وﭘـریشانى گردیده، وبه امراض مختلف مبتلا شده اند، ولى دوا وعلاج موفقانه‌اش این بوده که سبب اصلى این ﭘـریشانی‌ها را فراموش کرده، وبه کارى دیگرى خودرا مصروف ساخته.

وبایستى کارى را که انجام می‌دهد باید کارى باشد که قلبش با آن اطمینان یافته، وبآن اشتیاق داشته باشد، زیرا باین طور می‌توان بآسانى به مقصد نیک خود نایل آید، وخداوند داناتر است.

1. واز جملـﮥ اسباب که تشویش وﭘـریشانى را از بین می‌برد اینست که: تمام فكر وتوجه خودرا متوجـﮥ كار امروز بسازه، و در مورد آینده فكر نكند، و در بارﮤ گذشته اظهار اندوه ننماید، و از همین جاست که ﭘـیامبر ج از "هَمّ" و"حَزَن" ﭘـناه جسته است([[1]](#footnote-1))، "حَزَن" آنست که در بارﮤ ﭼـیزى گذشتـﮥ که قابل برگشت نبوده اندوهگین گردد، و"هَمّ" آنست که از تکلیف آینده ومستقبل ﭘـریشان باشد، ﭘـس انسان باید مرد امروز خود باشد، وتمام کوشش وتوانش را براى اصلاح کار امروز و وقت حاضر بچرخد، زیرا مبذول ساختن تمامى توجه به کارهاى حاضر وسیلـﮥ بانجام رسیدن آن می‌گردد، وبنده بذریعـﮥ آن از اندوه و ﭘـریشانى در امان می‌باشد.

ﭘـیامبر ج که دعا می‌کرد، ویا امتش را بآن رهنمایى می‌داد، تو نیز با طلب مدد خداوند و ﭼـشم راست فضل واحسان او بر تلاش ﭘـیــگیر جهت تحقیق آنچه که تحقیقش را می‌خواهد، وبا دورى از آن ﭼـه که در سدد دفع آن است تشویق می‌نماید، زیرا دعا باید با عمل همرا باشد؛ از این جاست که بنده باید در بارﮤ کارى کوشش نماید که در دنیا وآخرت بر وى مفید باشد، و بخواهد از ﭘـروردگار خود کامیابی مقصد، واز او در این باره مدد بخواهد،چنانچه ﭘـیامبر ج می‌فرماید: «اِحْرِصْ عَلَى مَا ینْفَعُک، وَاسْتَعِنْ بِاللهِ، وَلا تَعْجَزْ، وَإِذَا أَصَابَک شَیءٌ فَلا تَقُلْ: لَوْ أَنـِّی فَعَلْتُ کذَا کانَ کذَا وَکذَا، وَلَکنْ قُلْ: قَدَّرَ اللهُ وَمَا شَاءَ فَعَل؛ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّیطَانِ»

 [روایت مسلم]

ترجمه: بر آنچه که به تو مفید است حرص کن، و از خداوند مدد بخواه، و (در انجام دادن کار) ناتوان مه باش، واگر برایت (تکلیفی) برسد ﭼـنان مگو: "اگر" ﭼـنان می‌کردم ﭼـنان و ﭼـنان می‌شد، بلکه این‌طور بگو: الله (آنرا) در تقدیر (مقرر) نمود، وآنچه خواست کرد، زیرا "اگر" کارهای شیطان را راه می‌گشاید.

ﭘـس ﭘـیامبر ج (در حدیث) مذکور مطلب حریص بودن به کارهاى همیشه مفید وخواستن کمک از خداوند، وتن ندادن به ناتوانى که اوست خود تنبلى ضررناک، ومطلب تسلیم شدن به قضاء وقدر خداوند در ﭼـیزهای گزشته، ومشاهدﮤ قضاء وقدر الهى را یکجا یاد آور شده است.

و (ﭘـیامبر **ج**) كارها را دو قسم نموده است:

یکى کارهایى که در مورد تحقق بخشیدن آن بطور کامل، ویا تا حد ممکن، ویا دفع کردن آن بطور کامل، ویا کاهش دادن ضرر آن تا حد ممکن، بنده می‌تواند سعى وکوشش نماید، که در قسمت این نوع کارها بنده کوشش خودرا جارى نموده، واز ﭘـروردگار خود در آن کمک می‌طلبد.

قسم دیگر کارهایکه بهـیـﭻ وجه امکان ﭘـذیر نیست، ﭘـس در این طور کارها باید بنده مطمئن باشد، و(به قضاء وقدر الهی) تسلیم وراضى باشد.

 وشکى نیست که مراعات این اصل وقاعده و (مطابق آن عمل کردن) موجب خوشحالى و خوشى است، وسبب زایل شدن اندوه وﭘـریشانى وغم است.

فصل:
[كثرت ذكر الله تعالى]

1. از جملـﮥ بزرگ‌ترین اسباب اطمینان وآرامش قلب: كثرت ذكر (یاد نمودن) الله تعالى می‌باشد؛ زیرا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾ [الرعد: 28].

 ترجمه: با خبر که به ذکر الله دل‌ها آرام می‌گیرد.

ﭘـس یاد کردن خداوند نظر به خصوصیتى که دارد، ونظر به امید داشتن به ثواب، و ﭘـاداش الهى، براى تحقق همین مقصد تاثیرى بزرگى دارد.

1. واز (جملـﮥ این اسباب) همچنان: یاد كردن نعمت‌هاى ظاهرى وباطنى خداوند است، زیرا شناخت نعمت‌هاى خداوند وذکر آن‌ها غم وﭘـریشانى را دور نموده، وبنده را به شکر نعمت وادار می‌نماید، که این خود از جملـﮥ مراتب بزرگ نیکى بشمار می‌رود، هرﭼـندبنده دﭼـار فقر ویا مرض باشد، ویا تکلیفى دیگر داشته باشد، اگر نعمت‌هاى خداوند را که به او ارزانى نموده است بشمارد، ویا در بین این نعمت‌ها وآن تکلیفى که برایش رسیده است مقایسه نماید، خواهد دید که این تکلیف در برابر نعمت‌هاى خداوند بهیـﭻ وجه قابل ذکر نیست، بلکه بنده اگر در برابر مصیبت‌هایکه از جانب خداوند به او رسیده است صبر نماید وبآن راضى وتسلیم شود، آن بر وى آسان خواهد گردید، واز تکلیفش کاسته خواهد شد.

ودر نتیجـﮥ تأمل وفکر بنده در ثواب وﭘـاداش این امر، وﭘـرستش خداوند متعالى، وصبر کردن بر آن، وراضى بودن از آن، این همه امور و کارهاى تلخ را شیرین می‌سازد، وﭘـاداش شیرینش تلخى صبر را از وى فراموش می‌نماید.

1. ودرین مورد مفید ترین کارها همان است: كه ﭘـیامبرج در حدیث صحیح بآن ارشاد نموده، ومسلمانان را بآن تشویق کرده است، وفرموده است: «اُنظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْکمْ، وَلا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَکمْ؛ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لا تَزْدَرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَیکمْ». [روایت بـخاری]

ترجمه: به کسانى نظر کنید که از شما ﭘـائین تر باشد، وبه کسانى نظر می‌کنید که از شما بالا تر باشد، واین شیوه شایسته است تا نعمت‌های را که خداوند به شما داده است کم نشمارید.

واین جهت است که اگر بنده این اصل را مد نظر داشته باشد خواهد دید که در هر حالتى که باشد بازهم نسبت به تعدادى زیادى از مردم در داشتن عافیت وسعادت برترى دارد، وروزى‌اش از دیگران بیشتر است، واز اینجاست که ﭘـریشانى وغم واندوهش از بین می‌رود، وخوشى وشادمانى بخاطرى برخوردارى از نعمت‌هاى که دارن به بسیار از دیگران برترى دارد نیز افزون می‌گردد.

وهر ﭼـند بنده در بارﮤ نعمت‌هاى ظاهرى وباطنى، دینى ودنیوى، بیشتر به اندیشد وتأمل کند، خواهد دید که خداوند متعال خوبی‌هاى زیادى را نصیبش نموده، وتکلیف‌ها وشرهاى زیادى را از وى دفع نموده است، که بدون شک این (اندیشه وتأمل) ﭘـریشانی‌ها وغم‌هاى زیادى را از وى دور خواهد کرد، وخوشی‌ها وخوشبختی‌هاى فراوانى را برایش عطا می‌کند.

فصل:
[فراموش كردن تكالیف وغموم گذشته ونترسیدن از آینده]

1. یکى از اسباب جلب خوشى واز بین بردن غم وﭘـریشانى اینست: كه در محو كردن اسبابیكه ﭘـریشانی‌ها وغم‌هارا ایجاد می‌كند سعى كند، وکوشش نماید که ﭼـیزهاى را که سبب خوشحالى می‌باشد بدست آورد، واین هدف بدست می‌آید که هنجاری‌هاى گذشته را فراموش نماید، ومتوجه گردد که مشغول کردن ذهن وفکر در آن‌ها کار بیهوده وحماقت ودیوانگى است، لهذا کوشش کند که قلب وذهن خویش را از فکر کردن در ﭼنین کارها نجات بخشد، و از ترس اینکه در آینده: فقر، ﭘـریشانى، وتکالیفى دیگرى که فکر می‌کند واقع خواهد شد ذهن خود را دور سازد.

ﭘـس بنده به این نتیجـﮥ میرسد که خیر وشر وآرزوها که در آینده رخ می‌دهد مجهول بوده، ودر دست خداوند صاحب عزت وحکمت قرار دارد، وﭼـیز از آن در دست بندها نیست، جز آنکه در تحصیل خیرات ودفع مضرات آن بذل وکوشش نماید، وهم به این نتیجـﮥ می‌رسد که هرگاه انسان ذهن خودرا از تشویش در بارﮤ آینده دور داشت، فقط دربارﮤ اصلاح کارها از خداوند مدد خواسته، وبه آن اطمینان حاصل، قلبش راحت، کارهایش جارى، وتشویش واندوهش دور می‌شود.

1. ومفید ترین تدبیر در كارهاى آینده:استعمال دعاى است که ﭘـیامبرج به آن دعا میکرد: «الَّلهُمَّ أَصْلِحْ لِی دِینِی الَّذِی هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِی، وَأَصْلِحْ لِی دُنْیای الَّتِی فِیهَا مَعَاشِی، وَأَصْلِحْ لِی آخِرَتِی الَّتِی إِلَیهَا مَعَادِی، وَاجْعَلِ الْحَیاةَ زِیادَةً لِّی فِی کلِّ خَیرٍ، وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِی مِنُْکلِّ شَرّ» [روایت مسلم]

ترجمه: الهى دین مَن را برایم اصلاح کن که همان موجب درستى واستوارى کار من است، ودنیایم را برایم اصلاح کن که در آن زندگى من است، وآخرتم را برایم اصلاح کن که به آن باز گشت من است، وحیاتم را موجب افزایش امور خیر برایم گردان، ومرگ را موجب راحتم از همـﮥ أمور شر گردان.

همچنان این دعا: «الَّلهُمَّ رَحْمَتَک أَرْجُو؛ فَلا تَکلْنِی إِلَى نَفْسِی طَرْفَةَ عَینٍ، وَأَصْلِحْ لِی شَأْنِی کلَّهُ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ».. [روایت أبو داود بسند صحیح]

ترجمه: الهى رحمت تو را خواهانم، ﭘـس مرا به نفسم - به ﭘـیمانـﮥ یک تحریک مـﮋگان ﭼـشم- مگذار، وهمه امورم را برایم اصلاح بخش، جز تو معبود بر حق نیست.

وقتیکه انسان دعاى مذکور را که در آن خوبى دین ومستقبل دنیای وى می‌باشد، با قلب حاضر ونیت راست بخواند، ودر تحقیق آن بذل مساعى نماید، خداوندأ‌ آنچه را خواسته وآرزو نموده وبخاطرش کار کرده برایش میسر می‌گرداند، وغم واندوهش را به فرحت وسرور مبدل می‌سازد.

فصل:
[در وقت آسیب باید حالت بدتر از آن را در نظر گرفت،و بعداً در تخفیف آن كوشش نمود]

1. از مفید ترین اسباب براى دور ساختن غم وﭘـریشانى هنگامیکه بنده به شکستى رو برو شد آن است: كه در تخفیف وكم نمودن تاثیر مصیبت‌ها كوشش باید كرد، وآن طورى باشد که در وقت تکلیف وآسیب حالت بدتر از آن در نظر گرفته، وبراى مقاومت آن استاده باشد، سـﭘـس قدریکه ممکن است به همان مقدار در تخفیف ساختن آن کوشش نماید، ﭘـس در این مقاومت وکوشش گسترده ﭘـریشانی‌هایش از بین خواهد رفت، ودر عوض آن در جلب خیر ودفع شر وضرر هر قدریکه برایش میسر باشد کوشش نماید.

وقتیکه بالایش حالات ترس، یا امراض، وفقر ﭘـیش آید، ویا می‌خواهد که هر نوع ﭼـیزهای شایستـﮥ را بدست آرد، اما بر آن قادر نشود ﭘـس لازم است که این همه را با اطمینان وسکون قلب به ﭘـذیرد، بلکه خود را به برداشت تکالیفى بزرگتر از این مهیا سازد، زیرا که آمادگى به برداشت کردن ﭼـنین تکالیف آسیب‌ها را براى انسان آسانتر، ومشکلات‌ها را نیز کمتر می‌سازد، خصوصاً اگر به اندازﮤ قدرت خویش در مقابل آن خودرا آماده سازد، آنگاه بیشتر تسکین قلب برایش حاصل می‌گردد، وبه کارهای مفید که اورا در بارﮤ مصایب از فکر واندیشـﮥ نجات می‌دهد مصروف خواهد شد، واورا در مقاومت با تکالیف قدرت جدیدى می‌بخشد، وبا وجود این همه نیز باید توکل واعتماد ویقینش بر خداوندأ‌ باشد.

ﭘـس هیـﭻ شکى نیست که بزرگ‌ترین مفاد این ﭼـنین کارها باعث حصول فرحت ومسرت وانشراح صدر می‌باشد، علاوه بر ثواب و اجریکه بنده در دنیا وآخرت امید و طمع او را دارد، وآن به تجربه ثابت شده است، وکسانیکه این را تجربـه کرده‌اند بسیار اند.

 فصل:

1. یکى از وسایل مهم علاج امراض دشواری‌هاى قلب، وهمچنان امراض بدنى: داشتن قلب قوی، واز خیالات بیهوده وغیر حقیقى كه افكار بد آن را ایجاد می‌كند متاثر نشدن است، زیرا اگر انسان به خیالات خویش تسلیم شود، وقلبش از ترسیدن ومبتلا شدن به امراض وغیره مانند: قهر، غضب، و از حالات دردناک، و رسیدن تکالیف و از تشویش از دست دادن اشیاء مرغوب متاثر شود، ﭘـس او را به ﭼـنان غم‌ها واندیشه‌ها وامراض روحى وبدنى، و از داست دادن اعصاب مبتلا خواهد شود، که آثار وخیم آن به همه مردم آشکار وظاهر است.
2. وقتیكه انسان به خداوندأ‌ تكیه، واعتماد، وتوكل نماید، وبه افكار بیجا، وخیالات فاسد تسلیم نشود، واعتماد به خداوندأ‌ كرده، وامیدوار رحمت وفضل او باشد؛ ﭘـس اندیشه وغم از او دور خواهد شد، واز بسیارى امراض بدنى وقلبى نجات خواهد یافت، وﭼـنان قوت قلب، وآرامش، وخوشحالى، برایش ﭘـیدا خواهد شد كه تعبیر كردن از آن دشوار می‌باشد.

ﭼـه قدر شفاخانه‌ها از بیماران وهمى وغیر حقیقى، وتشویش، وخیالات فاسده مملو است، ﭼـه قدر اصحاب دل‌های قوى قربانى ﭼـنین حالات شده اند، واصحاب دل‌های ضعیف و نا توان را در جایش بگذار!! وﭼـه تعدادى از مردمان به سبب همین حالات به جنون وروانی عقل مبتلا شده اند؟

 ومرد سالم آنست که خداوندأ‌ او را صحت داده، وتوفیق این را برایش عطا فرموده که آن اسباب مفید قوت قلب را بدست آرد، که از وى تشویش واندیشه‌ها را دفع کند، خداوندأ‌ می‌فرماید: ﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُ﴾ [الطلاق: 3].

ترجمه: کسیکه به الله توکل کند ﭘـس او برایش کافی است.

یعنى (خداوندأ‌ انسان را) انجام دادن همه کارهای دنیا وآخرت بسنده است.

ﭘـس کسیکه به خداوند توکل کند ﭼـنین صاحب قلب قوى می‌باشد که افکار بیهوده براى او هرگز تاثیر نمی‌کند، ونه او را اوهام و حوادث ﭘـریشان می‌سازد، زیرا او می‌داند که در ﭼـنین کارها تشویش کردن وﭘـریشان شدن علامـﮥ ضعف قلب و از ترس بیجا است، وبا وجود این یقین دارد که خداوندأ‌ براى کسى کافیست که به او توکل واعتماد دارد، ﭘـس به خداوندأ‌ اعتماد کرده وبه وعدﮤ او مطمئن می‌باشید، از همین جهت غم وﭘـریشانى از بین رفته، ومشکلاتش به آسانى وراحت، وﭘـریشانی‌هایش بخوشى، و خوفش به سکون تبدیل می‌شود.

ﭘـس از خداوند طلب می‌کنیم که ما را به فضل خویش عافیت، وقوت قلب، وثبات، وتوکل کامل دهد، بهمانگونـﮥ که دارندگان همین صفات را به عطای همه خیر ودور کردن همه شر وتکلیف وعده کرده.

فصل:

1. در سخن ﭘـیامبر ج که می‌فرماید: «لا یفْرُک مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً، إِنْ کرِهَ مِنْهَا خُلُقاً رَضِی مِنْهَا خُلُقاً آخَرَ». [روایت مسلم]

ترجمه: بد نینـگارد مرد مومن زن مومن را، ﭼـه اگر بعض خصال او را نه ﭘـسندد خصلت دیگر او مورد ﭘـسندش قرار خواهد گرفت.

در این دو فایدﮤ وجود دارد:

فایدﮤ اول: رهنمائی است ﭼـگونگى معامله بازن، با نزدیکان، با دوستان، وبا کسانیکه بآن‌ها شراکت دارند، وبا هر آنکه میان تو و او بگوتـﮥ ارتباط وعلاقـﮥ وجود دارد، باید خودرا به این قناعت داد که البته اگر در شخصى عیب ونقصان ویا مزاج نا ﭘـسندیده می‌باشد، وقتیکه با ﭼیزى از این قبیل متوجه شدید ﭘـس با محبتى که به اساس ارتباط وتعلق با اوست باید آن را قوى دانسته باشید ومقایسه کنید، وصفات ﭘـسندیده ومقاصد نیک خاص وعام که داراى آنست بیاد آورید، طوریکه از عیوب ﭼـشم ﭘـوشى شود وصفات نیک ومقاصد خاصه وعمومى در نظر گرفته شود، ورفاقت وارتباط همیشه بر قرار می‌ماند، و راحت واطمینان حاصل می‌شود.

فایدﮤ دوم: محو شدن تشویش واندیشه، وبقای صمیمت وصفاى خاطر، و همیشه بجا آوردن حقوق که فرض ویا مستحب است، وحصول اطمینان در بین هر دو جانب.

و هرکه به این ارشاد و رهمنایى ﭘـیامبر ج عمل نکرد، وبخلاف آن عمل کرد، یعنى از صفات نیکوی شخص ﭼـشم ﭘـوشد، وبه عیوبش نظر کند، آن ناﭼـار ونا راحت می‌گردد، ومحبتى که در بین آن‌ها وجود دارد، وهمچنان در ﭘـهلوی این بسیارى از حقوقى -که بجا آوردن آن بالای هر دو لازم است- ضایع خواهد شد.

اکثر مردمان با همت در وقت وقوع مصیبت خود را صبر واطمینان تلقین می‌دهند، اما به سبب کارهای ساده وآسان تشویش می‌کنند، وﭘـریشان می‌شود، وصفای قلب شان از بین می‌رود، زیرا که آن‌ها خود را در مقابل کارهای بزرگ عیار ساخته، وبه کارهای کوﭼـک التفات نکرده اند، این شیوه بر ایشان مضر ثابت شده، وراحت ایشان را از بین برده.

ﭘـس صاحبان عزم و اراده محکم در مقابل کارهای خورد و کلان خود را آماده ساخته، و از خداوندأ‌ خواهان کمک ومعاونت می‌باشند، و از وی استدعا می‌کنند که آن‌ها را یک لحظه هم به نفس‌های شان نـگذراند.

به این وسیلـﮥ کارهای خورد مانند کارهای کلان بر ایشان آسان شده، وهمیشه خاطر شان جمع، وقلب شان آرم می‌باشد.

فصل:
[زندگى كوتاه خویش را نباید به غم واندیشه‌ها سـﭘـرد]

1. خردمند می‌داند که زندگى سعادت و راحت یگانه زندگى حقیقى می‌باشد، و آن هم بسیار کوتاه است، ﭘـس نباید به غم واندیش آن را کوتاه تر سازد، زیرا که اینـگونه عمل مخالف مفهوم زندگى سالم می‌باشد، لهذا کوشش باید کرد که قسمت بزرگ زندگى شکار نا راحتى و ﭘریشانی‌ها نشود، در این موضوع مرد نیکو و مرد فاسد مساوى هستند، مگر مومن را در تحقیق این گونه عمل حصـﮥ بزرگ و نصیب نیکو، وفواید دنیا وآخرت می‌باشد.
2. هنگامی كه انسان را تكلیف می‌رسد، یا از رسیدن تكلیف می‌هراسد، در بین ﭼنین تكالیفى كه به او رسیده ودر بین نعمت‌های دنیوى ودینى كه از آن بهره مند است مقایسه باید كرد، ﭘـس می‌بیند كه تعداد نعمت‌ها بسیار، وتكالیفى كه به او رسیده در مقابل آن هیـﭻ نیست.

همچنان اگر احتمال وقوع ضرر وجود داشته باشد، و از ﭘـیش شدن آن مى‌هراسد، و نیز ﭘـیدایش راه‌های سد وقوع آن ضرر محتمل باشد، باید در بین احتمال ضعیف وقوع ضرر واحتمال‌های بسیار سلامتى از آن فکر کند، و آن دو را باهم مقایسه نماید، و هر گز اجازه ندهد که یک احتمال ضعیف علیه احتمالات قوى غالب گردد، که از همین طریق دفع می‌شود، وﭘـیش از وقوع مصیبت باید احتمال وقوع مصیبت بزرگتر را در نظر گرفته شود، وخود را براى آن مجهز سازد اگر واقع شود براى دفاع آن وتخفیف آن، و یا آنچه بوقوع نه ﭘـیوسته واحتمال وقوعش باشد براى دفع آن کوشش باید کرد.

1. و یکى از کارهای مفید ومؤثر این است: ضرریكه مردم به تو می‌رسانند، بالخصوص به الفاظ نا شایسته، در حقیقت ضرر بخود ایشان است، وبراى تو هیچ ضرر نمی‌رسد، مگر اینکه ذهنت را در آن مصروف کنى، و اجازه بدهى که احساسات ترا صدمه رساند، ﭘـس اگر ﭼـنین کنى طوریکه به صاحبانش ضرر است ﭘـس براى خودت ضرر می‌باشد.
2. بدان که: زندگى تابع خیالات وافكارت می‌باشد، اگر در بارﮤ کارهای که در دین یا دنیا مفید است فکر کنى زندگیت ﭘـر مسرت وبا سعادت می‌باشد، واگر نه نتیجه‌اش خلاف این است.
3. از وسایل مؤثر دفع کردن غم و ﭘریشانی این هم می‌باشد: كه خودرا به این كه تنها از خداوندأ‌ امیدوار شكر وثواب هستى قناعت بده، هنگامیکه با کسى نیکى کردى- به قطع نظر از اینکه بالای تو حق دارد یا ندارد- بدان که این در حقیقت نیکى کردن با خداوندأ‌ است، ﭘـس از آن انسان امید شکر مکن، طوریکه خداوندأ‌ در بارﮤ بندگان خاص خویش می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا٩﴾ [الإنسان: 9].

ترجمه: شما را محض به روی الله طعام می‌دهیم و از شما عوض و شکرانه گى نمی‌خواهیم.

واین شیوه خصوصاً در تعامل با اهل وعیال یا کسیکه با او ارتباط قوى باشد مهم تر است، وقتیکه از آن‌ها یک شر و یا تکلیف را دور بسازى آنان هم در راحت می‌باشند وتو نیز آرام ومطمئن می‌باشید.

ویکى از اسباب حصول اطمنان این نیز است: كه اعمال نیكو را از ته قلب وبا شوق ورغبت باید كرد، نه به تکلفى که موجب تشویش می‌گردد و تو را از خیر بی بهره می‌گرداند زیرا که راه کج را انتخاب نمودى، واین کار حکمت است، که از کارهاى آلوده کارهاى خوب ایجاد نمایى، وبه این طریقه شیرینى‌ها بسیار می‌شود، وکدورت‌ها از بین می‌رود.

1. كارهای مفید را هدف قرار ده، ودر بر آوردن آن سعی وكوشش نمائید،و به کارهاى مضر نظر نکنید، تا که از اسباب غم و ﭘـریشانى‌ها دور باشید، و از آرامش واطمنان قلب خود استفاده کن تا که کارهاى سخت را آسان کنید.
2. یکى از کارهای مفید اینست: كه كارها را حالاً اجرا كنید، وبه كارهای آینده خود را فارغ نمایید، زیرا اگر کارها در اوقاتش اجرا نشود، وهمه کارهای سابقه ولاحقه جمع شود، آن وقت انجام دادنش دشوار خواهد بود، واگر هر یک در وقتش اجرا شود، براى انجام دادن کارهای آینده بقوت وفکر درست و در وقت مناسب براى تان دست می‌دهد.
3. وبهتر است كه از كارهای مفید باید انتخاب كرد كه از همه مهم، جالب و ﭘـسندیده باشد، و اگر نه با خستگى وﭘـشیمانى وخفگان رو برو خواهید شد، ﭼـنین کارها را به فکر سالم و مشوره انجام دهید، زیرا هرکه از دیگران مشوره می‌گیرد ﭘـشیمان نمی‌شود.

کارهای را که می‌خواهید انجام دهید، در باره‌اش به غور و دقت فکر کنید، اگر مصلحت وفایدﮤ در آن مى‌بینید، وعزم واراده اجرا نمودنش را کردید، ﭘـس به خداوندأ‌ توکل نمائید، هر آینه خداوندأ‌ توکل کنندگان را دوست دارد.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله على سیدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم.

1. 1- در حديث كه بخارى ومسلم آنرا روايت نموده است. [↑](#footnote-ref-1)